

# حمایت از تولید یا تامین کسری بودجه از جیب تولیدکننده

رویکرد جدید دولت در اواخر سال گذشته به بورس و بازار سرمایه که در دهه‌های گذشته اقتصاد ایران بی سابقه بوده است موجب رشد چشمگیر شاخص در سال ۹۸ و ماه‌های آغازین سال ۹۹ شده است اگرچه این رشد شاخص تا حدودی متناسب با عمق‌دهی به بازار و ورود شرکت‌های بزرگ و همچنین افزایش سرمایه‌ها و عرضه‌های سهام دولتی در بورس و جذب بالای نقدینگی همراه بود اما از آنجا که بسترها و زیرساخت‌های اقتصاد کشور هیچگاه مهیای جراحی اقتصادی نبوده و تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها هیچوقت جامع‌نگرانه و استراتژیک نبوده، همواره این نگرانی و ناامنی وجود داشته که این رشد خیره‌کننده بازار سرمایه چه عواقبی برای اقتصاد کشور به همراه خواهد داشت.

صرفنظر از تحلیل‌های اقتصادی صاحب‌نظران در خصوص مثبت و منفی بودن این موضوع باید به این نکته توجه داشت که بازار سرمایه و بورس در همه جای دنیا بعنوان یکی از بازارهای قابل اتکا برای تامین سرمایه واحدهای تولیدی مورد توجه قرار می‌گیرد و شاخص بورس‌های بزرگ دنیا به نوعی بیان‌گر اوضاع و احوال اقتصاد و به مثابه سنجه اقتصاد است موضوعی که در سالیان گذشته مورد غفلت واقع شده و متأسفانه در فرهنگ مردم کشور بورس به مثابه قمار تلقی شده است.

رویکرد جدید دولت در اعتباربخشی به بازار سرمایه و تامین کسری بودجه خود از محل عرضه سهام در بورس و تاکیدات مقامات عالی‌رتبه نظام به حمایت از بورس که همزمان با کاهش نرخ سود بانکی بود، حجم بزرگی از سرمایه‌ها و نقدینگی را جذب بورس نمود و این ورود نقدینگی و تقاضای بالا برای خرید سهام موجب افزایش حجم معاملات، افزایش شاخص و افزایش سودآوری سهامداران شد موضوعی که از یکسو موجب کنترل جریان وحشتناک نقدینگی و جلوگیری از اثرات مخرب آن بر بازار طلا و ارز و مسکن و خودرو شد و از سوی دیگر این نگرانی را برای کارشناسان اقتصادی و هیات حاکم ایجاد نموده که اگر این حجم از نقدینگی با ریزش بورس، احساس ناامنی کند و از بورس خارج گردد چگونه می‌توان آن را مهار کرد؟

کاهش نرخ بهره بانکی در سال گذشته که موجب بالارفتن تورم نقطه به نقطه شده بود اکنون موجب انباشت جریان بزرگی از نقدینگی در بورس شده است که چاره‌ای برای دولت باقی نگذاشته که یا باید مانع افزایش غیرمنطقی شاخص بورس شود و جلوی تورم را بگیرد یا جلوی ریزش بورس را بگیرد و به بالارفتن تورم تن دهد که قاعدتاً بدلیل هزینه‌های بالایی که ریزش بورس برای دولت در سال پایانی فعالیتش به همراه دارد به افزایش تورم تن خواهد داد.

همانطور که بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران اقتصادی بارها متذکر شده اند، لازم است سهامدارانی که به تازگی کد بورسی گرفته‌اند و فعالیت بورسی خود را آغاز نموده‌اند به این مهم توجه داشته باشند که فعالیت در بازار سرمایه بدون آموزش و تجربه می‌تواند مخاطرات و عواقب جبران‌ناپذیری را برای ایشان به همراه داشته باشد و به عبارتی بورس همیشه مانند چندماه گذشته خود نخواهد بود که هر سهامداری با هر نماد بورسی بتواند سرمایه خود را در کوتاه‌مدت چند برابر کند و نباید فرهنگ کار و تلاش برای تحصیل درآمد را با درآمد بادآورده و بی‌زحمت و به تعبیر برخی تحلیلگران اجتماعی مفت‌خواری معاوضه کرد.

بهرحال بی‌اعتمادی مردم به دولت و ترس از خالی شدن جیبشان توسط دولت باعث شده کمتر کسی رغبت به نگهداری ریال داشته باشد و در حال حاضر ترجیح به سرمایه‌گذاری در ارز و طلا و مسکن و خودرو و بورس تنها راه کاهش ارزش دارایی‌های مردم تلقی شده و حاکمیت مسئولیت‌دشواری در جهت هدایت نقدینگی به سمت تولید مولد بر دوش دارد فرآیندی که جز با تسهیل شرایط تولید و فضای کسب و کار و رفع قوانین مزاحم امکان‌پذیر نیست و دولتی که در حال حاضر با کسر بودجه شدید دست و پنجه نرم می‌کند نمی‌تواند مشوقی برای تولید و سرمایه‌گذاری باشد چرا که خود بدنبال فرصتی است تا با وضع قوانین و بخشنامه‌های خلق‌الساعه بخشی از کسری بودجه خود را از جیب تولیدکننده تامین کند و بدون شک در ماه‌های پایانی دولت شاهد اتفاقات عجیب‌تر و بزرگتری در اقتصاد کشور خواهیم بود که حداقل امیدواریم با تدبیر بیشتری همراه باشد.